

فعل حرکتی *идти-ходить* در مفهوم مجازی و طریقه بیان آن در زبان فارسی

میریلا احمدی*

استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ایران

معصومه داد**

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۶، تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۱۲)

چکیده

در دهه‌های اخیر، «مجاز» به‌عنوان مهمترین منبع غنی‌سازی قاموس واژگان زبان، توجه زبان‌شناسان روس را به خود جلب کرده است. زبان‌های روسی و فارسی تصاویر کم‌وبیش متفاوتی از حرکت را به دست می‌دهند، در عین حال وجوه مشترکی دارند که با توجه به تعلق آنان به دو خانواده زبانی مختلف، جالب به نظر می‌رسد. کارکرد فعل حرکتی در گروه‌واژه‌های پایدار فعلی - اسمی به علت کارایی گسترده در همه سبک‌های زبان قابل بررسی است. از میان دست‌نویسان فارسی، خسرو فرشیدورد این دسته از ترکیب واژه‌ها را تحت عنوان «افعال مرکب»، «ترکیبات فعلی» یا «گروه‌های فعلی ترجمه‌ای» بررسی کرده است. تکیه اصلی مقاله حاضر، بررسی مقایسه‌ای نقش فعل حرکتی *идти-ходить* در معنای مجازی و در قالب ترکیب واژه‌های پایدار است.

واژه‌های کلیدی: فعل حرکتی، مجاز، استعاره، ترکیب واژه، زبان روسی، زبان فارسی.

*تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۱۱۰۰۱، دورنگار: ۰۲۱-۴۴۱۲۹۸۱۷، E-mail: Mireyla@modares.ac.ir

**تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۱۱۰۰۱، دورنگار: ۰۲۱-۴۴۱۲۹۸۱۷، E-mail: dad@modares.ac.ir

مقدمه

در زبان روسی، افعال حرکتی به ۱۴ یا ۱۸ جفت فعل استمراری (راه رفتن، خریدن، دویدن و ...) اطلاق می‌شوند. این افعال به این علت در نظام فعلی زبان روسی تفکیک شده‌اند، که برخلاف سایر افعال روسی جفت‌های مطلق و استمراری تشکیل نمی‌دهند و از این نظر غیر استانداردند. در زبان فارسی، مقوله‌ای تحت این عنوان وجود ندارد. نزدیکترین معادل واژه‌های فارسی افعال *идти-ходить* مربوط به مفاهیم «حرکت به سوی» (آمدن) و «حرکت از» (رفتن) است که معادل آن‌ها به ترتیب، افعال پیشوندی *прийти* و *уйти* اند. این افعال از واژه‌های پرکاربرد با نظام معنایی بسیار وسیع و غنی‌اند که هنوز هم در عالم معنا قابل توسعه‌اند.

گاه، توسعه زبان به منظور انتقال و درک مفاهیم سخت و دیرپاب جهان هستی، نه به کمک خلق واژه‌های بدیع و غریب، که با تکیه بر امکانات موجود زبان صورت می‌گیرد. از آنجا که فعل *идти* واژه‌ای اصیل با بن فعلی است و از اسم مشتق نشده، جزء پرکاربردترین واژه‌های زبان روسی (با بسامد ۱۸۱۸) است. (زاسورینا ۱۱۲). به عنوان یک قانون کلی، هر چه یک واژه کاربرد بیشتری داشته باشد، معانی بیشتری می‌یابد و این معانی به یمن استعاره و توسعه «همگنه» یا «وجه اشتراک» (*внутренняя форма*) بین معانی گوناگون یک واژه به وجود می‌آیند (دودنیکف ۵). در مقاله حاضر، برای بررسی این افعال از روش تطبیقی - مقایسه‌ای استفاده شده است.

بحث و بررسی

«علم معنائشناسی (*семасиология*) در تقسیم‌بندی‌های معنایی برای هر موضوع دو معنا قائل است: معنای ابتدایی و معنای ثانوی. معنای ابتدایی راه را برای عبور به معنای ثانوی هموار می‌سازد. با ادای واژه، نخستین معنایی که به ذهن متبادر می‌شود، معنای ابتدایی خوانده می‌شود که وابسته به متن نیست، اما معنای ثانوی بیشتر به متن وابسته است» (شعیری ۳۹). همه کتاب‌های دستور زبان روسی، در کنار بحث «چندمعنایی»، پدیده «هم‌آوایی» و مبهم بودن مرز بین این دو را مطرح می‌کنند (بلاشاپکوا ۲۴۰). «مهمترین علت پیدایش پدیده چندمعنایی، امکان به کار بردن کلمه در مفاهیم نزدیک به یکدیگر است، که ممکن است به تدریج گستره معنایی کلمه را تا آنجا گسترش دهد که ارتباط بین معانی مختلف آن ضعیف و رفته رفته محو شود. وقتی این ارتباط گسیخته شود، کلمه در ظاهر، معانی نامتجانس و بی‌ارتباطی پیدا می‌کند

و این یکی از راه‌هایی است که باعث پیدایش هم‌آوایی می‌شود. چنان‌که در مورد واژه‌های *проходить-пройти* و *обходиться-обойтись* می‌توان گفت. مثال:

1. *исходить из положения*; 2. *исходить всё поле*; 3. *исходить слезами*.

یکی دیگر از راه‌های پیدایش چندمعنایی، استعمال تخصصی کلمه است (باطنی ۹۱). زبان معاصر برای این پرسش، که دلیل نامگذاری یک شیء، واقعه یا پدیده چه بوده، پاسخی ندارد. اما معنای مجازی افعال حرکتی، بر اساس شباهت حرکت غیرجاندار به شیوه حرکت انسان و حیوان است و از طریق معنای اولیه قابل توضیح است. بنابراین، برای شناخت مجاز، باید ابتدا حقیقت را بشناسیم.

«تقسیماتی که واژه‌های زبان برای بیان اشیا، وقایع، پدیده‌ها و به طور کلی برای بیان تجربه فرد از جهان خارج نشان می‌دهند، الزاماً منطبق بر تقسیمات قرینه‌ای در جهان بیرون نیست» (همان ۱۸۸). افعال حرکتی زبان روسی با توجه به محیطی که حرکت در آن اتفاق می‌افتد و شیوه حرکت تقسیم‌بندی شده‌اند. معنای «پیاده بودن» در خود فعل *идти-ходить* مستتر است، ولی افعال معادل آن‌ها در زبان فارسی عاری از این مفهوم‌اند و برای بیان این مقصود نیاز به قید یا توضیح دارند.

Идти-ходить; ехать-ездить = رفتن، آمدن (پیاده، سواره)

«هر واحد کلامی ممکن است چندین معنای نهفته در خود داشته باشد و به جای تداعی یک واحد معنایی، چند واحد معنایی را در بر بگیرد» (شعیری ۱۳۹). «معنی یک کلمه در شبکه تقابلی که یک حوزه معنایی را می‌پوشاند، روشن می‌شود. این شبکه تقابل در حوزه‌های معنایی در زبان‌های مختلف متفاوت است» (باطنی ۱۹۱). این قرینه (контекст) است که ما را در تشخیص معنا و مفهوم راهنمایی می‌کند. همانگونه که در مجاز، قرینه لازم است، وجود علاقه، یعنی مناسبت و پیوستگی مابین معنی حقیقی و مجازی نیز لازم است.

بلاشاپکوا می‌نویسد: «نشانه یا واژه *идти* نه تنها معنی اصلی خود (راه رفتن) را پوشش می‌دهد، بلکه در بافت‌های دیگر به معانی مجاور نیز «دست‌اندازی» می‌کند: ۱- حرکت کردن: *Теплоход плавно идёт по реке*؛ ۲- رهسپار شدن، عازم شدن: *Пора идти домой!*؛ ۳- باریدن *Идёт сильный дождь!* و غیره». بلاشاپکوا این پدیده را «توسعه‌طلبی معنایی» تعبیر کرده و می‌نویسد: «هر یک از معانی واژه میل دارد در قالب نشانه یا واژه دیگری بیان شود: نه تنها «برف می‌آید»، بلکه «برف می‌بارد. برف بارید!» (بلاشاپکوا ۲۲۸).

انواع مجاز

طبق تعریف دکتر باطنی، فرایند «انتقال» (перенос) یعنی این که «از طریق یک نوع واقعیت به واقعیتی از نوع دیگر برسیم» (باطنی ۹۱).

غالب زبان‌شناسان انواع اصلی مجاز (переносное значение) را استعاره – метафора؛ کنایه – метонимия و مجاز مرسل синекдоха می‌دانند و مجاز مرسل (مأخوذ از واژه یونانی synekdechethai به معنای «پذیرش توأمان») را زیرمجموعه کنایه می‌نامند. «تشخیص»، «شخصیت بخشی» یا «انسان‌انگاری» – персонафикация – استعاره‌هایی‌اند که در آنها مشخصه‌ای از انسان به شئی منتقل می‌شود:

На улице, шагах в пяти, стоит, стыдясь, зима у входа и не решается войти.

زمستان در خیابان، چهار پنج قدمی در، خجّل و محجوب ایستاده و جرأت نمی‌کند وارد شود. «در "تشخیص" می‌توان از حدود اشیاء مادی فراتر رفت و پدیده‌های ذهنی را شخصیت بخشید» (هاوکس ۳۲). در حیطه استعاره، همچنین بحث (تلطیف سازی) مطرح می‌شود، مثلاً کاربرد فعل *уходить* در جمله *дети уходят* در گفتار پزشکان به معنای «از پس‌بیماری برنیامدن، جان سالم به در نبردن» است (کریسین ۲۶۹).

«استعاره وجود یک شباهت یا همگونی «انتقال‌پذیر» میان یک موجود (مثلاً حرکت اتومبیل من) و موجودی دیگر را که می‌تواند جانشین آن شود (حرکت اسب) پیشنهاد می‌کند. در مجاز مرسل، اساس این جایگزینی بیشتر «توالی و مجاورت» است. بنابراین می‌توان به جای «رئیس جمهور ایالات متحده»، «محل زندگی رئیس‌جمهور» را نهاد و در نتیجه «کاخ سفید» می‌تواند نمونه‌ای از مجاز مرسل برای رئیس‌جمهور باشد» (هاوکس ۱۱۲).

روس‌زبانان، مانند سخنگویان دیگر زبان‌ها، ممکن است مجاز بودن بسیاری از معانی لغات را حس نکنند. به عنوان مثال، هیچ روس‌زبانی با ادای لفظ «ساعت کار می‌کند» (*часы ходят*) که در زبان روسی برای آن از فعل حرکتی «می‌رود» استفاده می‌شود، حرکت انسانی که با دقت گام برمی‌دارد را مدنظر ندارد. تصویری که بر اساس این استعاره فعلی تداعی می‌شود (تناسب بین حرکت عقربه‌های ساعت و راه رفتن انسان برای رساندن مفهوم «کار کردن ساعت»)، زمانی در ذهن وجود داشت که تازه ساعت اختراع شده بود، اما با گذشت زمان این تصویر زدوده شد. در جمله *часы идут* فعل *идти* در معنای استعاره به کار برده شده و فقط معنای صوری حرکت فیزیکی حفظ شده و معنای ضمنی «به کمک پا» حذف شده است. تا اینجا مجاز بر اساس شباهت (метафора) است، اما مفهوم حرکت نه برای ساعت،

که برای عقربه‌های ساعت به کار رفته و این هم نوعی مجاز بر اساس مجاورت (метонимия) است. هنگام استعمال این فعل در مورد ساعت، اشاره به مکان یا جهت حرکت بی‌معنی است. هرچند در این مورد نیز هماهنگی و رابطه‌ای بین حرکت عقربه‌های ساعت در یک جهت، و فعل جهت‌دار *идти* وجود دارد.

«استعاره‌هایی که اغلب در گفتار روزمره فسیل می‌شوند، زمانی تجسدهای زنده ادراکاتی جاندار بوده‌اند، که ما در جهان «منطقی» بی‌حس شده خود از آنها بی‌خبریم. در واقع، همین تمایزی که بین «حقیقی» و «استعاری» قائلیم، تنها در جوامعی دیده می‌شود که توانایی تفکر انتزاعی را کسب کرده‌اند» (هاوکس ۶۳).

در عبارت *идёт поезд* فقط معنای حرکت حفظ می‌شود، ولی حرکت روی چرخ نه روی پاها. این حرکت بیانگر کیفیت راه رفتن انسان بوده و با *поезд ползёт* متفاوت است (استعاره پنهان: تشبیه حرکت آهسته و باطمینان قطار به حرکت خزیدن جانور بر روی زمین). همین‌طور است درباره *время идёт* و *время ползёт* و غیره. به کار بردن فعل *ползти* (حرکت بدون کمک پا) به جای فعل *идти* (حرکت با کمک پا) در تقابل با *идти* (حرکت روی چرخ‌ها به جای حرکت به کمک پا) استعاره‌ای است که بر پایه یک استعاره مرده (یا استعاره زبانی) دیگر بنا شده است.

از دیدگاه زبان‌شناسی، غالب کلماتی که امروزه استفاده می‌شوند، در بدو پیدایش نوعی استعاره بوده‌اند. پس آنچه امروزه استعاره تلقی می‌شود، در واقع مجازی است که بر مجاز فراموش‌شده دیگر بنا شده است به طوری که اگر الگوی اصلی پیدا شود، استعاره مرده‌ای به دست می‌آید که به سبب استفاده مکرر، رسانایی خود را از دست داده است. در بسیاری موارد، وقتی زمینه زبانی یک چنین استعاره‌ای تغییر می‌کند، آن استعاره مرده بار دیگر تشخیص و تازگی می‌یابد. استعاره می‌تواند متعلق به شعر باشد (поэтическая метафора)، مانند: “Тихо ходит зима”; “Идёт любовь”, “Луна ходит по небу” و یا سرچشمه معانی تازه واژه‌ها باشد (языковая метафора). البته به نظر و.و.وینوگرادوف، هر واژه می‌تواند چند معنی آزاد داشته باشد. اما در رابطه با معنی اصلی، بقیه معانی واژه، مشتق حساب می‌شوند که آنها را نباید با استعاره و تمثیل اشتباه گرفت. این معانی، اغلب باریک‌تر و تخصصی‌تر از معنی اصلی‌اند. اما اگر مناسبتی بین معانی وجود نداشته باشد، آنگاه با پدیده تشابه سروکار داریم (زبان روسی معاصر ۱۰۱).

مجاز لغوی مانند:

В рамках вечера пройдёт церемония награждения московской премией ...; молодость прошла!

В своих трудах Иванов не прошёл мимо всех этих сложных исторических проблем. (сравните: Он прошёл мимо дома.)

استعاره، مشابهت بر اساس شکل، محلّیت، رنگ، اندازه، مقدار، درجه تراکم و جنبش و غیره است.

Время идёт (бежит, летит).

برای مثال، فعل *ползти* در عبارت: *Поезд ползёт еле-еле* به صورت پنهان و غیرمستقیم حرکت آهسته و ضعیف قطار را به خزیدن تشبیه می‌کند، بی آن‌که از مشبه‌به نامی برده شود.

حتی در عباراتی که گاهی در آغاز یا پایان قصه‌های عامیانه به کار می‌برند (یکی بود یکی نبود؛ قصه ما به سر رسید/کلاغه به خونه‌ش نرسید و مانند آن)، استعاره به کار رفته است. آنچه امروزه استعاره تلقی می‌شود، ممکن است زمانی کاربرد عادی زبان به حساب آید. «ت. هاوکس معتقد است که استعاره شکل ازلی - ابدی ندارد. با توجه به نسبی بودن معنا و ذاتی بودن ابهام برای زبان می‌توان گفت که استعاره از ملزومات زبان است و کاربرد غیر معمول و خاص زبان نیست. استعاره به گونه ای پنهان در معنا اثر می‌گذارد و واقعیت می‌سازد. برای یادگیری زبان باید از زبان صریح و مستقیم و معنای حقیقی پلی برای درک مفاهیم پیچیده‌تر و دیرپاب جهان هستی بزنیم. ادراک استعاری ما مبتنی بر همین بخش غیراستعاری است» (هاوکس ۲۴).

فعل حرکتی در گروه واژه‌های پایدار فعلی - اسمی

این ارتباط واقعی و مفهومی و ویژگی‌های دستوری و واژه‌شناسی است که قدرت هم‌نشینی واژه‌ها را معین می‌کند. به عنوان مثال، فعل *уйти* به واسطه توانایی توسعه معانی مجازی خود، اجازه ساخت ترکیب‌هایی چون *уйти в размышление*; *уйти в себя* و جز آن را می‌دهد. واژه‌هایی که از چنین قابلیت بی‌بهره‌اند، مانند *уехать*, *приезжать* اجازه استفاده استعاری در گفتار را نمی‌دهند. توسعه معنای لغوی، تصور ما را از جهان پیرامون منعکس می‌کند.

علائمی که ل. ای. شیراکوا برای ترکیب واژه‌های پایدار برمی‌شمرد، چنین است:

۱- دگرگونی معنایی یکی از اجزاء گروه واژه، از دست دادن تمام یا بخشی از معنای اولیه و گرفتن سایه‌روشن‌ها و هاله‌های جدید معنایی. برای مثال فعل *выходить* به معنای 'двигаться в определённом направлении, выходить за границы чего-л.' در گروه واژه‌های پایدار، معنای اصلی خود را از دست می‌دهد و یکی از معانی تکمیلی را حفظ می‌کند:

а) появляться – выходить в свет, выходить из печати, выходит продукция;

б) 'исчезать, разрушаться' – выходить из моды, выходить из употребления, выходить из состава, выходить из строя;

в) 'освобождаться' – выходить из подчинения, выходить из-под власти, выходить из повиновения;

г) 'терять' – выходить из доверия;

۲- امکان به کار بردن یک یا هر دو جزء گروه واژه با تعداد محدودی از کلمات.

۳- ثبات در کاربرد، یعنی تکرار واژه در گروه واژه‌های همجنس، و بالاخره، عدم امکان ترجمه مستقل اجزای ترکیب واژه به زبان‌های دیگر (شیراکوا ۱۱-۷).

نخستین فردی که در تاریخ زبان‌شناسی روسیه، ترکیب واژه‌های پایدار را مطرح کرد، فورتوناتف بود. وی آن‌ها را از حیث محتوا با واژه، و از حیث صورت با گروه واژه برابر می‌دانست. (فورتوناتف ۱۷۴-۱۷۳) شریا گروه واژه‌های پایدار را که معنای یکپارچه‌ای دارند، کلمات مرکب مخصوص می‌نامد که به طریق نحوی ساخته شده‌اند (شریا ۵۳). برخی محققان روسی گروه واژه‌های پایدار را جزء اصطلاحات می‌دانند، برخی آن‌ها را به گروه واژه‌های آزاد نزدیک می‌دانند، و دسته سوم آن‌ها را از پدیده‌های زبانی مترادف با واژه می‌دانند. طبق تقسیم‌بندی وینوگرادوف، می‌توان گفت گروه واژه‌های پایدار به عبارات و اصطلاحات (фразеологические обороты) نزدیک‌ترینند.

سازوکار ترکیب واژه‌های فعلی - اسمی مورد نظر از انسجام نحوی برخوردارند و کارکرد نامتعارفی در جمله دارند. این معانی همیشه استعاری بوده و جزء معانی مجازی‌اند (زبان روسی معاصر ۲۴-۲۱)

یو.آ. روبینچیک افعال پیشونددار زبان فارسی، مانند: باز آمدن، در آمدن، فرود آمدن، بیرون آمدن، بیرون رفتن را «افعال هم‌کرد» (компонированные глаголы) می‌نامد (روبینچیک ۱۴۰).

در زبان روسی، گروه واژه‌های پایدار فعلی - اسمی اغلب با افعال یک کلمه ای هم معنا و

مترادفند، و این فعل‌ها بطور عمده با جزء اسمی گروه واژه هم ریشه‌اند. اما برخلاف زبان روسی، زبان فارسی به جز موارد انگشت‌شمار مانند: جنگیدن (=جنگ کردن)، فعل ساده‌ای که با جزء اسمی گروه واژه‌های پایدار فعلی-اسمی هم‌ریشه باشد، سراغ ندارد. به‌نوشته خسرو فرشیدورد، بسیاری از افعال مرکب و گروه‌های فعلی معاصر تحت تأثیر ترجمه به وجود آمده‌اند. چون در زبان فارسی فعل‌های بسیط فراوان نیست، از دیرباز افعال ساده عربی و فرنگی با فعل‌های مرکب و گروه‌های فعلی ترجمه شده‌اند، که آنها خود با «فعل‌های یاور بسیطی» چون: آمدن، رفتن، شدن و غیره ساخته می‌شوند: به کمک آمدن؛ به حساب آمدن؛ به‌سکوت گذراندن (فرشیدورد ۴۸۳). ترکیب واژه‌ها می‌تواند با هم مترادف یا متضاد باشند.

проходить службу = нести службу (служить)

Войти в игру # выйти из игры

به ذهن آمدن = به ذهن رسیدن

وارد بازی شدن # از بازی خارج شدن

در زبان روسی، فعل *идти* با واژه‌های *речь, жизнь, дождь, урок, экзамен, собрание, операция, лекция, фильм, спектакль* ترکیب می‌شود و فعل *ходить* نمی‌تواند جایگزین آن شود. همین‌طور است در جمله: *Наташе идёт её новое платье* - لباس جدید ناتاشا بهش می‌آید. میان کاربرد افعال فارسی «آمدن» و «رفتن» نیز تفاوت‌هایی وجود دارد که مانع می‌شود فعل «رفتن» را برای بیان مفهوم «برازنده بودن» به کار بریم. البته گاهی هم این افعال می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند: (رفتم) *آمدم* ثواب کنم کباب شدم.

«اگر حرکت فیزیکی مدنظر باشد، بین دو فعل بی‌جهت و جهت‌دار *идти* و *ходить* پیوستگی معنایی وجود دارد، ولی در معنای مجازی گاه این پیوستگی را حفظ می‌کنند و گاه از دست می‌دهند» (تیخونف ۲۳۸). افعال حرکتی حتی در معنی مجازی و استعاری نیز ویژگی‌های دستوری خود را حفظ می‌کنند، مثلاً برای رساندن معنی «ازهمه‌سو» فعل *ходить*، و برای مفهوم «از یک سو» از فعل *идти* استفاده می‌شود. بنابراین، بعضی خصوصیات فعل حرکتی (مثل جهت‌دار یا بی‌جهت بودن) در کاربرد مجازی هم لحاظ می‌شود. (حرکت عقربه‌های ساعت و یا حرکت دود در یک جهت).

Часы идут (# стоят).

Дым идёт из трубы (вверх).

Ветер ходит (т.е. дует со всех сторон)

فعل در گروه واژه‌های پایدار فعلی-اسمی با تعداد محدودی از اسامی می‌تواند ترکیب شود.

Заходить-зайти в (тупик, тыл)

فعل حرکتی و اصطلاحات (фразеология)

از میان انواع اصطلاحات، фразеологические единства استعاری‌اند و استعاره مرکبه به حساب می‌آیند، زیرا معنای کلی آنها در مقایسه با مجموع معانی لغوی واژه‌های تشکیل‌دهنده، مجازی است. این نوع اصطلاحات همیشه بر پایه استعاره قرار دارند و اکثراً در میان ترکیب واژه‌های آزاد ترکیبات مشابهی وجود دارد که از حیث صورت (форма) یکی، و از حیث محتوا (содержание) با آنها متفاوتند: выйти сухим из воды; с головой уйти "во что-нибудь" (شملف ۱۰۰). ترکیب واژه‌های آزاد، آن معنی مجازی و استعاری اصطلاحات را ندارند. مثلاً اصطلاح идти своей дорогой (راه خود را رفتن) هم در معنای حقیقی به کار می‌رود و هم مجازی. روابط نحوی واژگان در چنین اصطلاحاتی از نقطه نظر زبان روسی معاصر قابل درک و توضیح است.

Идти в ногу 'действовать согласованно' и идти в ногу 'шагать той же ногой, па به پای کسی رفتن (هماهنگ و همقدم بودن با کسی) - 'что и идущий рядом'

زبان فارسی سرشار از اصطلاحاتی است که به کمک فعل «رفتن» ساخته شده‌اند. برخی از این اصطلاحات دارای معنای مجازی هستند:

- ходить галопом; - آب رفتن; садиться (о ткани) - ماه غسل رفتن -
- сбрасывать с уехать на медовый месяц; (شانه خالی کردن)
- идти на себя бремя чего-л.; залечь в спячку; - اجاره رفتن
- идти, бежать - يورتمه رفتن
- идти в паломничество; - يورتمه رفتن
- сбиваться с дороги, извиваться; - كج رفتن
- сбиваться с дороги, извиваться; - كج رفتن
- отклоняться в сторону; и т. д.

خسرو فرشیدورد ترکیباتی مانند: دست به عصا رفتن، از کوره در رفتن را افعال مرکب مجازی و استعاری می‌نامد. وی می‌نویسد: «گاه عناصر عامیانه و مجازی و استعاری در ترکیب با یکدیگر ترکیبات غنی می‌سازند» (فرشیدورد ۴۶۰)، مانند: آبرویم رفت، زهره‌ام رفت،

حوصله‌ام سر رفت، تو بحر چیزی رفتن، توی کف چیزی رفتن. کوتاه آمدن، به راه آمدن و غیره.

«اختلاف دستوری زبان‌ها و عدم تطابق کامل معنی واژه‌های آنها بحث «نسبیت در زبان» را مطرح می‌کند، که خود مبتنی بر دو اصل است: ۱- زبان، تصویر درستی از واقعیت جهان خارج به دست نمی‌دهد. ۲- هر زبان تصویر متفاوتی از واقعیت جهان خارج به دست می‌دهد، پس هر زبانی «متافیزیک مخفی و خاص خود» را دارد» (باطنی ۱۸۷).

در زبان‌های روسی و فارسی در تصویر حرکت، شباهت‌ها و تفاوت‌های صوری و معنایی وجود دارد. فعل идти در معنی اولیه تقریباً با واژه‌های معادل فارسی همخوانی دارد. افعال «رفتن» و «آمدن» در مقابل دو جفت فعل روسی قرار می‌گیرند که گستره معنایی یا کاربرد یکی ممکن است از دیگری وسیع‌تر باشد. گستره معنایی فعل идти-ходить در زبان فارسی بین افعال «آمدن»، «رفتن»، «راه رفتن»، «پیاده رفتن» و «قدم زدن» توزیع می‌شود:

ходить = آمدن، رفتن، قدم زدن، پیاده رفتن، راه رفتن

идти = رفتن، آمدن.

прийти = آمدن، رسیدن

فعل «رفتن» در زبان فارسی می‌تواند با انواع و اقسام وسایل نقلیه به کار رود. (رفتن با قطار، هواپیما، قایق، اتومبیل، دوچرخه، ...)، اما در زبان روسی فعل идти و مشتقات پیشوندی آن، مثلاً уйти را نمی‌توانیم با وسایل نقلیه به کار ببریم. نمی‌توان گفت: Я ушёл на поезде! فعل идти برای انواع وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی (به جز موتور سیکلت) به کار می‌رود.

самолёт летит (идёт) по какому-л. рейсу. Мотоцикл прямо едет на нас.

هنگام مقایسه افعال حرکتی روسی با واژه‌های معادل فارسی، متوجه می‌شویم که بعضی معانی مجازی می‌توانند به خاطر تصویر مشترک حرکت در دو زبان به راحتی در حافظه زبان‌آموز جا بیافتند. مثال:

пройти перед (чьими-л.) глазами (کسی) گذشتن

Фильм сошёл с экрана درآمد از اکران

اما برخی معانی به سختی فرا گرفته می‌شوند، زیرا درک ارتباط و تناسبی که بین معنی مجازی فعل حرکتی و تصویر حرکت برای یک روس‌زبان وجود دارد، برای یک فارس‌زبان مشکل است. مثال:

Болезнь расходилась – بیماری عود کرد –

Старичок разошёлся – лучше молодых пляшет –

پیرمرد رودرواسی را کنار گذاشته، بهتر از جوان‌ها می‌رقصد

Голова прошла – سرم خوب شد –

افعال حرکتی و واژه‌های معادل فارسی (эквиваленты) ممکن است هم‌پوشی کامل نداشته باشند، همانطور که واژه‌های هم‌معنا (синонимы) در یک زبان نیز گاه از هم‌پوشی کامل برخوردار نیستند.

I. دسته‌ای از معانی مجازی در هر دو زبان روسی و فارسی به وسیله فعل حرکتی و واژه‌های معادل بیان می‌شوند، یعنی همخوانی وجود دارد: Свет ушёл – برق رفت؛ Очередь дошла до него – نوبت به او رسید؛ Сон не идёт – خوابم نمی‌آید (خواب از سرم پریده، بی خواب شده‌ام)؛ Этот хитрец любого сумеет обходить – این حقه باز می‌تواند هر کسی را دور بزند. گاهی این همخوانی جزئی است: پا به سن گذاشتن – войти в лета

II. موارد عدم تطابق زبان‌های روسی و فارسی در استفاده از افعال حرکتی که به ویژگی‌های خاص زبانی بر می‌گردد: الف) گاهی معانی مجازی در زبان روسی به کمک فعل حرکتی بیان می‌شوند، ولی در زبان فارسی با افعالی جز آن ترجمه می‌شوند:

Я знал: удар судьбы меня не обойдёт –

می‌دانستم ضربات سرنوشت مرا بی‌نصیب نخواهد گذاشت

Идти на врага – به دشمن حمله کردن –

Сойти с иностранца – خود را خارجی جا زدن –

На меня нашёл страх – ترس ورم داشت –

И осенил меня глубокий сон, и низошло мне на душу забвение. (А. К. Толстой, Дракон)-

خوابی عمیق به سراغم آمد و فراموشی قلبم را فرا گرفت.

برخی افعال هنگام ترجمه نه حرکت، که نتیجه حرکت را نشان می‌دهند، مثلاً:

Находить себе волдыри – تاول زدن (پا) –

ب) گاه برعکس، معانی مجازی فقط در زبان فارسی به کمک واژه‌های معادل افعال

حرکتی بیان می‌شوند، مانند «آمدن» (در ترکیب: اسم + ضمیر متصل + آمدن) به معنی: (۱) میل کردن، میل داشتن، برآوردن نیازی را حس کردن (درباره خواب، خنده، گریه، قلقلک و غیره): خوابش می‌آید - Ему спится؛ (۲) به معنی احساس رنج یا خوشی کردن (با واژه‌های بد، خوش، درد، دل، حیف، و غیره): تنبلیم می‌آید - Мне лень.

III. افعال مشابه فعل حرکتی که از یک یا دو پیشوند و فعل حرکتی ترکیب شده‌اند و حرکت را در هیچیک از معانی خود بیان نمی‌کنند. ترجمه اینگونه افعال بیشتر به کمک واژه‌هایی که مبین حرکت نیستند، صورت می‌گیرد. برای مثال فعل найти:

شهر را روی نقشه پیدا کردن - найти город на карте - "پیدا کردن" - 'Обнаруживать'
شهر ما را چگونه یافتید؟ - 'Каким вы нашли наш город?' - "یافتن" - 'Застать'
'- 'Наличествовать, иметь место' "وجود داشتن" - 'находящиеся в отчёте ошибки' - اشتباهات موجود در متن

- 'находиться в опасности' - "در وضعیتی قرار داشتن" - 'Быть в каком-л. состоянии'
در خطر بودن

این‌گونه افعال در هیچ کدام از معانی خود نه در زبان فارسی و نه در روسی دربردارنده مفهوم حرکت نیستند.

IV. افعالی که به طریق پیشوندی از فعل حرکتی ساخته شده‌اند، و در تمام معانی با واژه‌های معادل فارسی مطابقت و همخوانی دارند. مثال:

Уйти встречать гостей - به پیشواز مهمانان رفتن

Она ушла от родителей. - او از پیش پدر و مادرش رفته است.

Уйти из жизни - از دنیا رفتن

و یا:

Перейти оборонительную линию (عبور کردن) گذشتن

Тень уже перешла на другую сторону улицы.

سایه به آن طرف خیابان رفت. (آن طرف خیابان سایه شد).

Переходить все границы - از حد گذشتن

V. معانی برگرفته از معنی اصلی (производные значения) که در نتیجه انتقال

(перенос) و استعاره ایجاد شده‌اند. این افعال، صورت فعل حرکتی را دارند، ولی معنای حرکت ندارند. هنگام ترجمه آنها به زبان فارسی، چند مورد قابل تشخیص است، از جمله:

الف) فعل می‌تواند هم در معنای اولیه و هم در معنای ثانویه با واژه معادل خود در زبان فارسی مطابقت داشته باشد.

راه از جنگل می‌گذرد. – Дорога выходит из леса; از خانه درآمدن – Выйти из дома
ب) افعال مشتق با معانی‌ای که در زبان فارسی این معانی با افعال معادل بیان نمی‌شوند.

دیوانه شدن – С ума сойти

برخورد انتقاد آمیز داشتن نسبت به چیزی – Подходить к чему-л. критически

– Цельный месяц он проходил за больным ребёнком

یک ماه تمام از کودک بیمارش مراقبت می‌کرد

ج) ممکن است در معانی مشتق همخوانی جزئی وجود داشته باشد. مثال:

– При таком воспитании дети выходят лентяями

با این طرز تربیت بچه‌ها تنبل از آب در می‌آیند (تنبل بار می‌آیند)

«رفتن» تداعی کننده گذر از مکانی برای رسیدن به مکانی دیگر است، یعنی در «رفتن»

معنایی مکانی نهفته است. در بافت (контекст) دیگری ممکن است فعل «رفتن» در برگیرنده معنایی غیر از معنای مکانی باشد. در زمینه استعاره فعلی سه مورد قابل ذکر است:

۱) حرکت فیزیکی قابل مشاهده در عالم ماده:

– Суп ушёл с его лица; Улыбка сошла с его лица

خنده از لبانش رفت (رخت بر بست)

Гвоздь легко идёт в доску – میخ به راحتی در تخته فرو می‌رود

۲) حرکت قابل دریافت توسط دیگر حواس پنجگانه: در مورد زمان، صدا، بو، خون،

اشک و غیره. در این مورد نیز تصویر حرکت در فارسی و روسی مشترک است.

Молодость ушла – جوانی (ام) رفت –
– прошли перед моими глазами

خاطرات خوش کودکی به وضوح از برابر چشمانم گذشتند

۳) معنای «حرکت» از بین می‌رود. افعال در کاربرد مجازی هر چند به صورت، فعل

حرکتی‌اند، ولی نه حرکت، بلکه یک عمل یا حالت را نشان می‌دهند، ضمن آن‌که ارتباط و

همبستگی خود را با مفهوم حرکت حفظ می‌کنند. در این مورد، هنگام ترجمه به زبان فارسی،

نمی‌توان از افعال معادل افعال حرکتی استفاده کرد. تفاوت اساسی تصویر حرکت در زبان‌های

روسی و فارسی از همینجا پیش می‌آید.

Ночь на землю сошла – شب بر زمین حکمفرما شد

Буря расходилась – طوفان شدت گرفت

در زبان روسی، گروه واژه‌های پایدار فعلی - اسمی از یک فعل و یک جزء اسمی با حرف اضافه یا بدون حرف اضافه (در زبان فارسی با علامت مفعولی «را» یا بدون آن) تشکیل می‌شوند. در گروه واژه‌های فعلی - اسمی در هر دو زبان حرف اضافه پیش از اسم قرار می‌گیرد. این نوع ترکیبات، همان افعال مرکب و ترکیبات فعلی‌اند. در زبان فارسی، اسم می‌تواند بین دو جزء فعل مرکب قرار بگیرد. در رابطه با معنی فعل در گروه واژه‌های پایدار، می‌توان به معنارفتنگی کامل فعل اشاره کرد، که فقط صورت فعل حرکتی را حفظ کرده و نقش فعل شبه معین را ایفا می‌کند (دودنیکف ۳۷).

بنابراین، افعال حرکتی تا زمانی فعل حرکتی‌اند که در حیطة مکان (حرکت قطار و ماه و غیره) اتفاق بیفتند، هرچند در این معانی نیز می‌توانند استعاره زبانی یا استعاره خشک (сухая, стёртая метафора) تلقی شوند. دور شدن فعل حرکتی از اصل و مبدأ خود بتدریج اتفاق می‌افتد. این روند «انتقال» تا محو کامل مفهوم «حرکت» ادامه می‌یابد و قابل گسترش به مفاهیم غیر مادی می‌شود. نمونه پدیدۀ «معنارفتنگی» یا «معنازدگی» (десемантизация) فعل حرکتی را می‌توانیم در گروه واژه‌های پایدار فعلی - اسمی ببینیم که فعل به لحاظ معنای لغوی پوچ و تهی شده و در نقش فعل کمکی، بار گرامری عبارت را بر عهده می‌گیرد.

Власть перешла в чьи-л. руки; перейти на какую-л. позицию и т. д.

نتیجه

دسته‌ای از زبان‌شناسان روس معتقدند که در بعضی واژه‌ها یک معنی، حقیقی و بقیه مجازی‌اند. دسته دیگر معانی مشتق (производные) را از معنی اصلی منفک کرده و مجاز و استعاره را فقط در حیطة شعر می‌شناسند. در مجموع می‌توان گفت استعاره به همه جنبه‌های زبان راه یافته است، ولی در سبک‌های محاوره، ادبی و مطبوعات متداول تر می‌باشد. آنچه امروزه در اکثر فرهنگ‌های لغات روسی به عنوان معنی مجازی ثبت نشده، استعاره کلامی (زبانی) یعنی استعاره‌های متداولی‌اند که دیگر رسانایی خود را از دست داده‌اند. شاید به این دلیل، که مطالعه استعاره مرده بی‌فایده است، زیرا به اصطلاحی پیش یا افتاده تبدیل شده است که دیگر قدرت زبانی استعاری ندارد. اکثر فرهنگ‌نویسان روسی فقط استعاره‌های زنده را переносное می‌دانند، و به مقوله مجاز، بیشتر از دید زبان‌شناسی توصیفی یا همزمانی

(синхроническая лингвистика) و نه از دید تاریخی یا در زمانی (диахроническая лингвистика) نگاه می‌کنند. در این میان تنها یک فرهنگ (ت. ف. یفرموا، ۲۰۰۰) به تمام معانی استعاری اشاره کرده است.

آنچه در کتاب‌های دستور زبان روسی در تعریف *устойчивые глагольно-именные словосочетания* (دریاس ۸) با تمام ویژگی‌هایش، با «افعال مرکب» یا «ترکیبات فعلی» فارسی برابری می‌کند. فعل در این ترکیب واژه‌ها بیشتر نقش دستوری ایفا می‌کند و بار اصلی معنا را به عهده جزء اسمی ترکیب واژه می‌گذارد. فعل *идти-ходить* و افعال مشتق از آنها در ترکیب واژه‌های پایدار، معنای اولیه را از دست می‌دهند، اما کل ترکیب واژه می‌تواند حقیقی و یا مجازی باشد برای مثال، گروه واژه *войти в жизнь* یا *войти в силу* در جملات زیر در مجموع، مفهوم مجازی ندارد، اما فعل در معنی مجازی خود به کار رفته است (استعمال این فعل برای کامپیوتر و قانون بر اساس استعاره است).

Компьютеры прочно вошли в нашу жизнь. Закон вошёл в силу.

یک گروه واژه می‌تواند هم مفهوم حقیقی را برساند و هم مجازی، مانند: *выйти на работу* به معنی سر کار رفتن، که هم در زبان روسی و هم فارسی، امکان برداشت حقیقی (در محل کار حضور یافتن) و مجازی (استخدام شدن یا بعد از مرخصی یا بیماری، دوباره شروع به کار کردن) را می‌دهند. *Сойти с дороги* به معنای «از سر راه کنار رفتن» و «مزاحم نشدن». استعاره می‌تواند در سطح واژه (استعاره مفرده)، گروه واژه، جمله و حتی متن (استعاره مرکبه) مطرح شود. گروه واژه‌های پایدار که در نتیجه کاربرد مجازی فعل به وجود می‌آیند، در سبک رسمی و مطبوعاتی بسیار بیشتر از واژه‌های هم‌معنا مورد استفاده قرار می‌گیرند. اصطلاحات روسی و فارسی گاهی با هم مطابقت دارند:

از این کار چیزی در نمی‌آید. - *Из этого ничего не выйдет.*

از ذهنم در رفت. - *С языка сошла.*

بیشترین شباهت بین افعال حرکتی روسی و معادل واژه‌های فارسی در معنای اولیه مشاهده می‌شود. برعکس، بیشترین اختلاف وقتی است که در زبان روسی، بین یک عمل و «حرکت» ارتباط و پیوستگی وجود دارد و در زبان فارسی این ارتباط نیست، یا برعکس، در زبان فارسی عمل یا حالتی به وسیله فعل معادل بیان شود و در روسی نه، که منجر به اختلاف شکل بیان معانی یکسان در این دو زبان می‌شود. با توجه به نسبی بودن معنا و این که ادراک استعاری ما مبتنی بر بخش غیر استعاری زبان است، طبیعتاً در کار آموزشی هم در وهله اول

بخش غیر استعاری زبان آموزش داده می‌شود و سپس به بخش استعاری پرداخته می‌شود. لازم است به جنبه‌های استعاری و نیز نقش این افعال در ترکیب واژه‌های پایدار فعلی-اسمی از طریق زبان فارسی توجه شود، زیرا معنی یک کلمه در شبکه تقابلی که یک گستره معنایی را می‌پوشاند، روشن می‌شود. در واقع معانی مختلف یک واژه در مقام تقابل و مقایسه با معنی اولیه خود را نشان می‌دهند. در زبان فارسی نیز افعال معادل با فعل *идти* به همان میزان قابلیت کاربرد استعاری را دارند. فعل در ترکیب واژه‌های پایدار نقش فعل کمکی را ایفا می‌کند، بنابراین گروه واژه‌های پایدار فعلی-اسمی معنای یکپارچه دارند و قابل معادل‌یابی در زبان مادری ما هستند.

Bibliography

- Anvari. Hasan. (1383/2004). *Dictionary of Metaphors Language Sokhan*. Tehran: Sokhan publications.
- Bateni. Mohammad Reza. (1378/1999). *Zaban va Tafakor* (Language and Thought). Tehran: Abangah.
- Beloshapkova. V.A. (2003). *Sovremenniy Russki Yezik* (Contemporary Russian Language). 3rd Edn. Moscow: Azbukovnik.
- Deribas. V.M. (1983). *Ustoichivyye Glagol'no-Imennyye Slovosochetania Russkovo Yezika* (The Stable Verbal-Nominal Phrases). 3rd Edn. Moscow: Russki yezik.
- Dudnikoff. A.V. (1970). *Lexicon and Phraseology of Russian Language*. Moscow: Prasveschenye.
- Farshidvard. Khosro. (1383/2004). *Fe'l va Gorouhe Fe'li va Tahavole an dar Zaban-e Farsi* (Verbs and Group Verbs and Their Evolution in Persian Language). Tehran: Soroush.
- Fortunatof, F. F. (1956). *Izbranniye trudi*. (Selected works). Moscow.
- Hawkes. Terence. (1380/2001). *Metaphore*. Translated by Farzaneh Taheri. 2nd Edn. Tehran: Markaz Publications Literature.
- Krysin. L.P. (2004). *Ruskoie Slovo, Svaio I Choozhoie* (Russian Word, Own and Someone else). Moscow: Yeziki slav'yanskoi kultury.
- Rubinchik. U.A. (2001). *Grammatika Sovremennovo Persidskovo Literaturnovo Iazyka* (Grammar of Contemporary Persian Language). Moscow: Vostochnaia Literatura RAN.
- Shemelef . D.N. (1963). *Sovremenniy Russki Yezik* (Contemporary Russian Language). Moscow.

- Scherba. L.V. (1974). *Yezikovaya Systema I Rechevaya Deiatel'nost'* (The System of Language and Speech Activity). Leningrad: Nauka.
- Shairi. Hamid Reza. (1381/2002). *Mabaniy-e Ma'nishenasi Novin* (The Basics of New Semantics). Tehran: Samt.
- Shirokova. L.I. (1983). *Ustoichivye Slovosochetania Russkovo Yezika* (The Stable Phrases of Russian Language). Moscow: Russki yazik.
- Sovremenny Russki Yezik. Lexikologia, Frazeologia, lexikographia.(2002). Peterburg.
- Tikhonof. A.N. (2003). *Sovremennyi Russki Yezik* (Contemporary Russian Language). Moscow: Tsitadel' Treid.
- Yefremova. T.F. (2000). *Novi Slovar' Russkovo yezika, Talkovo-Slovoobrazovatel'ny* (The New Russian Dictionary 'Defining and word-formation'). Moscow.
- Zasorina. L.L. (1977). *Chestotny Slovar' Russkovo Yezika* (Frequency Dictionary of Russian Language). Moscow: Russki yezik.

